



مثنوی معنوی اقیانوسی از معارف، حکمت‌ها و آموزه‌های عرفانی است که در قالب تمثیل بیان می‌شود. قصه‌ی موسی و شبان از دفتر دوم مثنوی مولوی، گفت‌وگوی صمیمی و ساده‌ی چوپانی است با پروردگارش. مولانا در این قصه، شرط اصلی قُرب و رضای الهی را داشتن قلبی پاک و بی‌ریا می‌داند.

موسی و شبان

دید موسی یک شبانی را به راه
 کاو همی گفت: «ای خدا و ای اله
 تو کجایی تا شوم من چاکرت
 چارقت* دوزم، کنم شانه سرت
 دستکت بوسم، بمالم پایکت
 وقت خواب آید، بروم جایکت
 ای فدای تو همه بزهای من
 ای به یادت هی‌هی و هی‌های من»
 ۵ زین نمط* بیهوده می‌گفت آن شبان
 گفت موسی: «با کی استت^۱ ای فلان؟»
 گفت: «با آن کس که ما را آفرید
 این زمین و چرخ از او آمد پدید»
 گفت موسی: «های، خیره سر شدی
 خود مسلمان ناشده کافر شدی



این چه ژاژ* است و چه کفر است و فُشار*؟
 پنبه‌ای اندر دهان خود فشار
 چارق و پاتابه* لایق مرتو راست
 آفتابی را چنین‌ها کی رواست^۲
 ۱۰ گرنبندی زین سخن تو خلق را
 آتشی آید بسوزد خلق را»
 گفت: «ای موسی، دهانم دوختی
 وزپشیمانی تو جانم سوختی»
 جامه را بدرید و آهی کرد تفت
 سرنهاد اندر بیابان و برفت

وحی آمد سوی موسی از خدا
بنده‌ی ما را زما کردی جدا
تو برای وصل کردن آمدی
نی‌برای فصل کردن آمدی
۱۵ هر کسی را سیرتی بنهاده‌ام
هر کسی را اصطلاحی داده‌ام^۳
چون که موسی این عتاب* از حق شنید
در بیابان در پی چوپان دوید
عاقبت دریافت او را و بدید
گفت: مژده ده که دستوری رسید
هیچ آدابی و ترتیبی مجو
هر چه می‌خواهد دل تنگت بگو

توضیحات



- ۱- با چه کسی سخن می‌گویی؟
- ۲- چارق و پایبج لایق توست؛ این چیزها کی درخور آفتاب حقیقت (خداوند) است.
- ۳- من در وجود هر کسی، خوی و عادتی قرار داده و به هر کسی شیوه‌ای آموخته‌ام تا با آن منظور و مقصود خود را بیان کند.

خودآزمایی



- ۱- بیت زیر با کدام بیت درس ارتباط معنایی دارد؟
هر کس به زبانی صفت حمد تو گوید بلبل به غزل خوانی و قمری به ترانه
- ۲- در کدام بیت به آیه‌ی «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ» (اسراء - آیه‌ی ۸۴) اشاره شده است؟
- ۳- درباره‌ی بیت «تو برای وصل کردن آمدی نی برای فصل کردن آمدی» توضیح دهید.



یکی از آثار بزرگ و جاودان نثر عرفانی، کتاب «مرصاد العباد» اثر نجم الدین رازی «دایه» (۵۷۰-۶۵۴) از عرفای بزرگ قرن هفتم است. مؤلف، این کتاب را در بحبوحه‌ی حمله‌ی مغول در سال ۶۱۸ نگاشته و در آن به بررسی مهم‌ترین مسائل عرفانی پرداخته است. نثر کتاب روان و گیراست و برخی اصطلاحات عرفانی، تفسیر، آیات و احادیث، احوال، سخنان و اشعار بزرگان در آن بیان شده است. «شب‌نم عشق» خلاصه‌ای از فصل چهارم این کتاب و موضوع آن آغاز خلقت انسان است.

شب‌نم عشق

مجموعه‌ای می‌بایست از هر دو عالم روحانی و جسمانی که هم محبت و بندگی به کمال دارد و هم علم و معرفت به کمال دارد تا بارِ امانت^۱ مردانه و عاشقانه در سفت* جان کشد. حق - تعالی - چون اصناف موجودات می‌آفرید، از دنیا و آخرت و بهشت و دوزخ، وسایط گوناگون در هر مقام برکار کرد^۲. چون کار به خلقت آدم رسید، گفت: «إِنِّي خَالِقُ بَشَرًا مِنْ طِينٍ»^۳ خانه‌ی آب و گل آدم، من می‌سازم بی‌واسطه؛ که در او گنج معرفت تعبیه خواهم کرد.

پس جبرئیل را بفرمود که برو، از روی زمین یک مشت خاک بردار و بیاور. جبرئیل - علیه السلام - برفت؛ خواست که یک مشت خاک بردارد. خاک سوگند برداد: به عزت و ذوالجلالی حق که مرا مبر که من طاقت قُرب ندارم و تاب آن نیارم. جبرئیل چون ذکر سوگند شنید، به حضرت بازگشت. گفت: خداوندا، تو داناتری. خاک تن در نمی‌دهد. میکائیل را بفرمود: تو برو. او برفت؛ هم‌چنین سوگند برداد. اسرافیل را فرمود: تو برو. او برفت؛ هم‌چنین سوگند برداد؛ بازگشت. حق - تعالی - عزرائیل را بفرمود: برو؛ اگر به طوع* و رغبت نیاید، به اکراه و اجبار برگیر و بیاور.



عزرائیل پیامد و به قهر یک قبضه‌ی* خاک از روی جمله‌ی زمین برگرفت.
 جملگی ملایکه را در آن حالت، انگشت تعجب در دندان تحیر بماند. الطاف الوهیت
 و حکمت ربوبیت به سر ملایکه فرو می‌گفت^۴: «آئی اعلم ما لاتعلمون.»^۵ شما چه دانید که ما
 را با این مشتی خاک از ازل تا ابد چه کارها در پیش است؟
 معذورید که شما را سر و کار با عشق نبوده است.
 روزکی چند صبر کنید تا من بر این یک مشت خاک دست‌کاری قدرت بنمایم، تا شما
 در این آینه نقش‌های بوقلمون بینید^۶. اول نقش آن باشد که همه را سجده‌ی او باید کرد.
 پس از ابر کرم، باران محبت بر خاک آدم بارید و خاک را گل کرد و به ید قدرت در
 گل از گل دل کرد.

از شب‌نم عشق خاک آدم گل شد صد فتنه و شور در جهان حاصل شد
 سرنشته^{*} عشق بر رگ روح زدند یک قطره فروچکید و نامش دل شد
 جمله‌ی ملاً^۷ اعلی، کروی و روحانی^۸ در آن حالت متعجب وار می‌نگریستند که
 حضرت جلت به خداوندی خویش در آب و گل آدم چهل شبا روز تصرف می‌کرد.
 گل آدم را در تخمیر* انداخته که «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ»^۹ و در هر ذره
 از آن گل، دلی تعبیه می‌کرد و آن را به نظر عنایت پرورش می‌داد و حکمت با ملایکه
 می‌گفت: شما در گل منگرید؛ در دل نگرید.
 هم‌چنین چهل هزار سال قالب آدم میان مکه و طایف افتاده بود.

چون کار دل به این کمال رسید، گوهری بود در خزانه‌ی غیب که آن را از نظر خازنان* پنهان داشته بود و خزانه‌داری آن به خداوندی خویش کرده، فرمود که آن را هیچ خزانه لایق نیست الا حضرت ما یا دل آدم؛ آن چه بود؟ گوهر محبت بود که در صدف امانت معرفت تعبیه کرده بودند و بر ملک و ملکوت عرضه داشته، هیچ کس استحقاق خزانگی و خزانه‌داری آن گوهر نیافته، خزانگی آن را دل آدم لایق بود که به آفتاب نظر پرورده بود و به خزانه‌داری آن جان آدم شایسته بود که چندین هزار سال از پرتو نور احدیت پرورش یافته بود.

هر چند که ملایکه در آدم تفرّس* می کردند، نمی دانستند که این چه مجموعه‌ای است تا ابلیس پرتلیس* یک باری گرد او طواف می کرد و بدان یک چشم^۱، اعورانه* بدو در می نگرست. پس چون ابلیس گرد جمله‌ی قالب آدم برآمد، هر چیزی را که بدید از او اثری، باز دانست که چیست اما چون به دل رسید، دل را بر مثال کوشکی یافت در پیش او از سینه میدانی ساخته چون سرای پادشاهان. هر چند کوشید که راهی یابد تا در اندرون دل در رود، هیچ راه نیافت. با خود گفت: هر چه دیدم سهل بود؛ کار مشکل این جاست. اگر ما را وقتی آفتی رسد ازین شخص، ازین موضع تواند بود و اگر حق - تعالی - را با این قالب سرو کاری باشد یا تعبیه‌ای دارد، درین موضع تواند داشت. با صد هزار اندیشه نومید از در دل باز گشت.

ابلیس را چون در دل آدم بار ندادند و دست رد به رویش باز نهادند، مردود همه‌ی جهان گشت.

ملایکه گفتند: چندین گاه است تا درین مشتی خاک به خداوندی خویش دست کاری می کنی و عالمی دیگر ازین مشتی خاک بیافریدی و در آن خزاین بسیار دفین کردی و ما را بر هیچ اطلاعی ندادی و کس را از ما محرم این واقعه نساختی؛ باری با ما بگوی این چه خواهد بود؟

خطاب عزّت در رسید که «آئی جاعل فی الارض خلیفه»^۱ من در زمین، حضرت خداوندی را نایی می آفرینم اما هنوز تمام نکرده‌ام. این چه شما می بینید، خانه‌ی اوست و منزلگاه و تختگاه اوست. چون او را بر تخت خلافت نشانم، جمله او را سجود کنید.



۱- «بار امانت» اشاره دارد به آیه‌ی ۷۲، سوره‌ی احزاب: «أَتَاعَرَضْنَا الْآمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا». ما امانت را بر آسمان‌ها و زمین‌ها و کوه‌ها عرضه کردیم؛ پس، از پذیرفتن و حمل آن خودداری کردند و از آن هراسناک بودند و انسان آن را بر دوش کشید. به درستی که او ستمگر و نادان بود. برخی «بار امانت» را مسئولیت، برخی ولایت علی(ع)، برخی معرفت و عرفا آن را «عشق» دانسته‌اند.

۲- در ساختن هر چیز از واسطه و وسیله‌ای استفاده کرد.

۳- من بشری از گِل می‌آفرینم (سوره‌ی ص، آیه‌ی ۷۱).

۴- منظور از سرِّ باطن و قلب است.

۵- من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید (سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۳۰).

۶- تا جلوه‌های گوناگون و نقش‌های رنگارنگ در آینه‌ی آفرینش انسان ببینید.

۷- موجودات عالم بالا.

۸- انسان را از گل خشک همچون سُفال آفرید (سوره‌ی الزّمن، آیه‌ی ۱۴).

۹- نویسنده، ابلیس را اعور (= یک چشم) می‌داند؛ چون او انسان را تنها از یک بُعد (بعد جسمانی)

می‌نگریست و حقیقت و عظمت روحی وی را نادیده می‌گرفت.

۱۰- من در زمین جانشینی قرار می‌دهم (سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۳۰).

خودآزمایی



۱- با توجه به رباعی «از شبنم عشق» خاک آدم گل شد ... که در متن درس آمده، دل محصول چه چیزی

است؟

۲- شیطان، رجیم (= رانده شده از بارگاه الهی) است؛ نویسنده علت مردود بودن شیطان را چه می‌داند؟

۳- به کمک دبیر خود غزلی از حافظ را که در آن به داستان خلقت انسان اشاره شده است، پیدا کنید.

واژه‌نامه

الف

اجابت: پذیرفتن، قبول کردن
اختلاف: رفت و آمد
ازار: لُنگ
زیبایی‌های الفاظ نظم و نثر بحث شود.

استخلاص: رهایی جستن، رهایی دادن، رهاییدن

استشاق: چیزی را بوی کردن، بوییدن

اعراض: روی برگرداندن

اعورانه: (قید است) مثل آدم اعور: یک چشم

إلحاح: پافشاری کردن، اصرار کردن

امام: پیشوا، راهنما

امام‌زاده: بزرگ‌زاده، محتشم

امهال: مهلت دادن

انابت: توبه، بازگشت به سوی خدا

اوراد: جمع ورد، دعاها

اهمال: فروگذاشتن، سستی کردن در کاری

ایجاز: کوتاه‌گفتن، سخن کوتاه کردن، بیان مقصود

در کوتاه‌ترین لفظ و کمترین عبارت

ایدر: اینجا، اکنون

ایما: اشاره کردن، اشاره، کنایه، رمز

ب

بأذآفره: مجازات، کیفر

باره: اسب

باسق: بلند

بدیع: نو، تازه، دانشی که در آن از صنعت‌های کلام و

برگستوان: پوششی که جنگاوران قدیم به هنگام جنگ می‌پوشیدند، پوشش اسبان و فیل‌ها به هنگام جنگ.

پ

پاتابه: (بایتابه)، نواری که به ساق پا پیچند.

پر خاشخو: پر خاشخو، جنگجو

پیراستن: زینت دادن، مزین کردن، زینت کردن همراه با کاستن

ت

تاک: درخت انگور

تتمه: به‌جای مانده، باقی مانده‌ی چیزی

تجلی: نمودار شدن، هویدا شدن

تحیر: سرگشته شدن، سرگردانی

تخمیر: سرشتن، مایه زدن

تذرو: قراول، نام پرنده‌ای

تراژدی: نوعی نوشته یا نمایش‌نامه که موضوعی غم‌انگیز دارد.

ترسا: نصرانی، مسیحی

تزار: پادشاهان روسیه در گذشته

تصرع: زاری کردن، التماس کردن

تضریب: فتنه‌انگیزی، دو به هم زنی

تفاخر: به‌خود نازیدن، به یکدیگر فخر کردن

تفرّس: دریافت چیزی به علامت و نشان، دریافت به فراست

تقریر کردن: بیان کردن، روشن ساختن

تقصیر: گناه، کوتاهی کردن، کوتاهی

تک: دو

تک: عمق، ژرفا

تلبیس: نیرنگ، پنهان کردن حقیقت

توزی: منسوب به توز، پارچه‌ی نازک کتانی که نخست در شهر توز می‌بافته‌اند.

توقیع: امضا کردن نامه و فرمان

ث

ثَقَّتْ (ثقه): اعتماد کردن

ج

جال: دام برای پرندگان، تله

جَبّه: جامه‌ی گشاد و بلند که روی لباس‌های دیگر پوشند.

جَمّازَه: (جمّاز) شتر تیزرو

جُنْحَه: گناه، بزه

جنیبت: یدک، جنیبت‌کش

جولاهه: بافنده، نسّاج، عنکبوت

جیب: گریبان، یقه

ج

چارق: کفش چرمی

چاووش درداد: بانگ زد، جار زد، ندا درداد.

چنبر: محیط دایره، حلقه، قید، گرفتاری

ح

حبري رنگ: کبود رنگ، حبر: مرکب

حَبّه: دانه

حُقّه: ظرف کوچکی که در آن جواهر یا اشیای دیگر

گذارند، قوطی

حلیه: زیور، زینت

حمیت: مردانگی، غیرت

خ

خازن: خزانهدار، نگهبان خزانه، فرشته (درس ۲۵)

خایب: ناامید، بی‌بهره

خَبَط: بی‌راه رفتن، گز رفتن

خَطُوات: گام‌ها، قدم‌ها، جمع خُطوه

خَلعت: جامه‌ی دوخته که بزرگی به کسی بخشد.

خَلَقَ گونه: کهنه، ژنده، پوشیده

خلیده: زخمی، زخم شده

خیلتاش: گروه نوکران و چاکران

د

دُرَاعَه: جامه‌ی بلند که زاهدان و شیوخ پوشند، جُبّه،

بالاپوش

دریغ: مضایقه، بی‌دریغ: بی‌مضایقه

دگنک: چماق، گرز بزرگ

دَلّاک: موی تراش، سلمانی، کسی که در حَمّام مردم

را کیسه کشد.

دَوال: چرم و پوست، یک دوال: یعنی یک لایه، یک

پاره.

دَها: زیرکی، هوشمندی

دیر: محلی که راهبان در آن عبادت کنند، صومعه

ر

راغ: صحرا، بیابان

راهب: عابد مسیحی، ترسای پارسا و گوشه‌نشین

راهوار: تندرو، فراخ گام، خوش راه

رای زدن: مشاوره، با کسی در کاری مشورت کردن

رای زن: مشاور، کسی که در کاری با وی مشورت کنند.

رباط: کاروان سرا

رب النوع: پروردگار نوع در نظر مشرکان مثلاً خدای

آتش، خدای درختان.

ربیع: بهار

رحیل: کوچ، کوچیدن

ردا: جامه‌ای که روی جامه‌ی دیگر پوشند.

رز: سم مهلک، در درس دوم سم مهلک مقصود

است.

رغم: به خاک آلودن بینی، خلاف میل کسی عمل کردن،

برخلاف میل، کراهت

رند: زیرک، حیله‌گر، لالابالی، آن که ظاهر خود را در

ملامت دارد و باطنش سالم باشد.

رواق: ایوانی که در طبقه‌ی دوم ساخته شود. سایبان،

پیشگاه خانه

روضه: باغ، گلزار (روضه‌ی رضوان: بهشت)

ز

زعارت: بدخویی، بدخلقی، تند مزاجی

زُئار: کمر بندی که زرتشتیان یا مسیحیان بر کمر می‌بستند

تا از مسلمانان شناخته شوند.

ص

صفت: برگزیده و خالص از هر چیز

صیانت: نگهداری

ض

ضییعت: زمین زراعتی

غضب، غرولند کردن

س

ساج: درختی که چوب آن بسیار مرغوب است.

سجایا: جمع سجیه یعنی خلق و خوی و عادت نیک

سدره: نام درختی است در بالای آسمان هفتم که آن را

سدره‌المنتهی گویند.

سر: رئیس

سَطوت: حشمت، مهابت، غلبه، وقار

سُفت: دوش، کتف

سُقلمه: ضربه با گوشه‌ی مشت، آرنج یا مشت دست که

معمولاً برای هشدار دادن زده می‌شود.

سِسلک: رشته، نخ

ش

شاهد: زیباروی، محبوب، معشوق

شرارت: بدی کردن، بدخواهی، فتنه‌انگیزی

شِراع: سایه بان، خیمه

شعشعه: پراکنده شدن روشنایی

شقیقه: قسمت فوقانی خارجی استخوان سر،

گیج‌گاه

شمایل: صورت، چهره

شیشک: گوسفند یک ساله

ژ

ژاژ: بوته‌ی گیاهی به غایت بی‌مزه و هرچند شتر آن را

بجود نرم نمی‌شود. ژاژ خاییدن کنایه از کار بیهوده

کردن است.

ژکیدن: آهسته سخن گفتن در زیر لب از روی خشم و

ط

فرّهی: شکوه، شآن و شوکت و دارای فر بودن
فُشار: سخن بیهوده

طاسک: طاس کوچک، آویز طلا و نقره‌ی زینتی
طوع: فرمان بردن، اطاعت کردن

ق

قاش: قاج، برجستگی جلو زین اسب که از چوب،
شاخ یا فلز سازند. کوهه‌ی زین، قُبّه‌ی پیش‌زین
قَبْضه: یک مشت از هر چیز
قَبّه: عمارت گنبدی شکل
قدوم: آمدن، قدم نهادن
قُرْبت: نزدیکی

قلیه: نوعی خوراک از گوشت، در متن درس مقصود
از «قلیه‌ی حلوا» نوعی حلوا با روغن و آرد است.
قیه: جیغ، قیه کشیدن: جیغ کشیدن به هنگام جشن

ک

کاینات: جمع کاینه، موجودات جهان
کتان: گیاهی است که از ساقه‌های الیاف آن در نساجی
استفاده می‌کنند.

کرامت: کرم، بخشش
کُرُند: اسبی که رنگ او میان زرد و بور باشد.

کُزخیم: کُز رفتار، بدر رفتار
کسوت: لباس
کُش: بغل، آغوش
کُش: خوش، خرم
کَهَر: رنگ سرخ مایل به تیرگی (مخصوص اسب و
استر)، در این جا مطلق اسب مراد است.

گ

گبر: خفتان، لباس جنگی
گُرازان: جلوه کنان و با ناز راه رفتن

ع

عاکف: کسانی که در مدّتی معین در مسجد بمانند و به
عبادت پردازند.

عتاب: خشم گرفتن، غضب، ملامت
عُصاره: آبی که از فشردن میوه یا چیز دیگر به‌دست
آورند.

عقد: گردن‌بند

عَلَق: خون بسیار سرخ، خون غلیظ

علیل: بیمار، رنجور

عود: درختی است که از سوزاندن چوب آن بوی
خوشی پراکنده می‌شود.

غ

غازه: گلگونه، سرخاب

ف

فایق: برگزیده، برتر

فتراک: تسمه و دوالی که از پس و پیش زین اسب
آویزند، ترک بند

فتوت: جوانمردی، مردانگی

فراش: فرش گستر، گسترده‌ی فرش

فرض: واجب گردانیدن، تعیین کردن

فرقت: جدایی، دوری

فرقدان: (دو فرقد) دو ستاره‌ی راهنما در صورت فلکی

دب‌اکبر در نزدیکی قطب شمال

فر: شکوه

گره گوری: کنایه از افراد بدبخت و سیاه‌بخت (کورو کچل، لاغر و سیاه)

گز: (تیرگز): نوعی درخت

گشن: انبوه، پر شاخ و برگ

مدعی: ادعا کننده، خواهان

مراوده: دوستی، رفت و آمد

مزید: افزونی، زیادی

مسالمت: آشتی کردن با یکدیگر، خوش رفتاری

مستغرق: غرق شده

مستلزم: لازم دارنده

مشحون: پر شده، انباشته، مملو

مضیف: جای ضیافت، مهمان خانه

مضیق: تنگنا، کار سخت و دشوار

مُطاع: کسی که دیگری فرمان او را می‌برد، اطاعت شده

مطاوعه: اطاعت، فرمان برداری

مطلق: رها شده، آزاد

معارضه: ستیزه کردن

مُغ: موبد زردشتی، زردشتی

مغاک: جای فرورفته و گود، گودال (مجازاً به معنی

گور)

مفوح: شادی بخش، فرح انگیز

مفخر: آن‌چه بدان فخر کنند.

مقیم: کسی که درجایی مسکن گرفته، اقامت کننده

مَلنگ: مست، بی‌خود و بی‌هوش

مُمد: مدد کننده، یاری رساننده

مُنکر: زشت

مواجب: (جمع موجب) وظایف و اعمالی که انجام آن

بر شخص واجب است.

مواهب: بخشش‌ها، جمع موهبت

مودت: دوستی گرفتن، دوستی، محبت

موزه‌ی میکائیلی: نوعی کفش

موهبت: بخشش

مهد: گهواره

مُهمل: کلام بی‌معنی و بیهوده

ل

لابه: اظهار نیاز، تضرع، التماس

لت: سیلی. لت زدن: سیلی زدن، خدشه به کسی وارد کردن

م

مال بند: قطعه چوبی دراز که در جلو درشکه و آزابه نصب کنند و اسب‌ها را به دو طرف آن بندند.

مالیده: در مورد دستار ظاهراً به معنای خوب و مرغوب است. در مورد موی سر ظاهراً یعنی مرتب شده و در عبارت نیک بمالید یعنی گوشمال داد.

مباهات: فخر کردن، نازیدن

مُتصید: شکارگاه

متقارب: نزدیک شونده، همگرا

متمادی: مدت دارنده، طولانی، دراز

متواتر: بی‌دری

مجلس گفتن: مجالس وعظ و پند که مشایخ صوفیه برگزار می‌کردند.

مجمر: آتش‌دان

مُحاق: پوشیده شده، احاطه شده. حالت ماه در سه شب آخر ماه قمری که از زمین دیده نمی‌شود.

محاورات: جمع محاوره، گفت‌وگوها

محتشم: دارنده‌ی شکوه و حشمت

محمل: کجاوه که بر شتر بندند.

مُخْتَفِه: گردن‌بند، قلاده

ن

ناو: قایقی کوچک که از درختی میان تهی سازند.

نزه: باصفا، خوش آب و هوا

نشتر: نیستر، چاقوی فلزی نوک تیز، تیغ جراحی

نفاق: انفاق و بخشش، آنچه صرف هزینه‌ی زن و فرزند شود.

نمط: روش، طریقه

نوش: شهد و شیرینی، گاه نوش به تنهایی به معنی «گوارا

باد» است.

نهفت: پناهگاه

وقیعت: سرزنش، بدگویی

ه

هزار: بلبل، عندلیب

هزاهز: آشوب فتنه‌ای که مردم را به جنس درآورد.

هماورد: هریک از دوکس که با یکدیگر جنگ کنند،

حریف، رقیب

همیان: کیسه‌ی پول

ی

یال: گردن، موی گردن اسب و استر

و

واصف: وصف کننده، ستاینده

اعلام

اهل نیشابور بود و ابوالقاسم قشیری از مردان اوست.

ابوالعلائی طیبی: پزشک مخصوص سلطان مسعود غزنوی

ابوالقاسم قشیری: ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن بن عبدالملک از بزرگان صوفیه در قرن چهارم، کتاب رساله‌ی قشیریّه از آثار اوست.

أحد: کوهی است در حجاز که یکی از جنگ‌های پیامبر در نزدیک آن روی داده است.

احمدشاه: پسر محمدعلی شاه و آخرین شاه قاجار، وی در دوازده سالگی بعد از خلع محمدعلی شاه به سلطنت رسید.

اخلاق الأشراف: کتابی است نوشته‌ی عبیدزاکانی شاعر و طنزپرداز قرن هشتم. این کتاب نمونه‌ای از طنز وی است.

ارتباط ایرانی: رمانی از علی مؤذنی نویسنده‌ی معاصر از آسمان سبز: مجموعه شعری از سلمان هراتی شاعر دوره‌ی انقلاب اسلامی

از این ستاره تا آن ستاره: مجموعه شعری از سلمان هراتی برای نوجوانان

اسرار التوحید: کتابی است تألیف محمدبن منور در شرح حال ابوسعید ابوالخیر. محمدبن منور یکی از نوادگان ابوسعید است.

اسفندیار: پهلوان روین تن بسر گشتاسب، که سرانجام به دست رستم کشته شد.

اسکندر: اسکندر مقدونی پسر فیلیپ در ۲۰ سالگی جانشین پدرش شد. وی در سال ۳۳۴ ق.م به عزم تسخیر ایران حرکت کرد. پس از جنگ‌ها و فتوحات زیاد از جمله شهرهای ایران در ۳۲ سالگی در بابل درگذشت.

آتاتورک: پدر ترک، لقب مصطفی کمال پاشا (۱۹۳۸-۱۸۷۸ م) بنیان‌گذار و رهبر جمهوری ترکیه

آتَن: بزرگ‌ترین شهر یونان قدیم و پایتخت آن، امروزه نیز این شهر پایتخت کشور یونان است.

آغاچی خادم: خادم خاص سلطان مسعود غزنوی
آل احمد، جلال: نویسنده‌ی بزرگ معاصر در سال ۱۳۰۲ در خانواده‌ای روحانی متولد شد. پس از طی تحصیلات معلم روستا شد و پس از سال‌ها مبارزه‌ی سیاسی و فرهنگی در سال ۱۳۴۸ در اسالم گیلان درگذشت. از آثار اوست، نون والقلم، غرب‌زدگی، مدیر مدرسه، ارزیابی شتاب‌زده و ...

آلمان: منطقه‌ی وسیعی در اروپای مرکزی، این کشور در جنگ جهانی دوم به دو کشور آلمان شرقی و آلمان غربی تقسیم شد.

آموی: نام قدیمی رود جیحون که از کوه‌های شمال افغانستان سرچشمه می‌گیرد. این رود سابقاً به دریای خزر می‌ریخته است ولی امروز مصب آن دریاچه‌ی آرال است.

آنا کارنینا: نام یکی از رمان‌های لئون تولستوی نویسنده‌ی بزرگ روس

آن‌جا که حق پیروز است: کتابی است از پرویز خرسند که درباره‌ی وقایع عاشورا نگاشته شده است.

آواز گل‌سنگ: مجموعه شعر فاطمه راکعی شاعر معاصر ابلیس: شیطان، اهریمن

ابوبکر و راق: عارف بزرگ ایرانی در قرن سوم. زادگاهش ترمذ و معاصر احمد خضرویه است.

ابوالحسن بولانی: قاضی‌بُست در عصر سلطان مسعود غزنوی

ابوعلی دقاق: فقیه و عارف قرن چهارم و پنجم، وی

اشکبوس: یکی از پهلوانان تورانی که به دست رستم کشته می‌شود.

اصفهانی، عبدالرزاق: از شاعران اواخر قرن ششم هجری

اصفهانی، هاتف: سیداحمد هاتف اصفهانی شاعر معروف قرن دوازدهم، وی به خاطر ترجیع‌بند عرفانی خود شهرت فراوانی کسب کرده است.

افغانی، علی محمد: رمان‌نویس معاصر، صاحب رمان‌هایی چون «شوهر آهو خانم»، «شادکامان درّه‌ی قره‌سو»، «شلغم میوه‌ی بهشته» و «بوته‌زار» اکوان دیو: نام دیوی که رستم را به دریا افکند و بعد به دست رستم کشته شد.

امیرعلی، قریب: از بزرگان عصر سلطان محمود که در به تخت نشاندن مسعود سهم بزرگی داشت و به وسیله مسعود اموال او ضبط و خود گرفتار شد.

امیر فجر، میثاق: داستان‌نویس معاصر، «فجر اسلام»، «دوقدم تا قاف»، «انسان میوه‌ی نخل» و «اشراق» از آثار اوست.

امین پور، قیصر: شاعر انقلاب اسلامی، مجموعه شعرهای «در کوچه‌ی آفتاب»، «تنفس صبح» و «آینه‌های ناگهان» از آثار اوست.

آنس بن حارث: یکی از یاران امام حسین (ع) که در ظهر عاشورا به شهادت رسید.

انصاری، خواجه عبدالله: پیرهرات (۴۸۱-۳۹۶ هـ) دانشمند و عارف بزرگ که از آثار او می‌توان به «مناجات‌نامه»، «نصایح»، «کنز السالکین» و «الهی‌نامه» اشاره کرد.

ایتالیا: کشوری در جنوب اروپا که پایتخت آن رم است.

ایوبی، صلاح‌الدین: قهرمان مسلمان و کرد جنگ‌های صلیبی (۵۸۹-۵۳۲ هجری)

بحرین: کشوری در خلیج فارس، این کشور عربی سال‌ها جزء خاک ایران محسوب می‌شد.

بخارای من ایل من: نام کتاب محمد بهمن بیگی نویسنده‌ی معاصر

بدر: چاهی است در نزدیکی مدینه که جنگ بدر در سال دوم هجری بین مسلمانان و کفار در این منطقه رخ داد.

بلژیک: کشوری اروپایی که با هلند، آلمان، فرانسه و لوکزامبورگ مرز مشترک دارد.

بونصر مشکان: دبیر رسایل دربار محمود و مسعود غزنوی است که تا پایان عمر بر این سمت می‌ماند. وی استاد و مقتدای بیهقی است و بیهقی همه جای تاریخ خود از او به نیکی و بزرگی یاد کرده است.

بوسهل زوزنی: از مشاوران مسعود غزنوی است که یک چند پوشیده‌وزیری می‌کند و نتیجه‌ی هر یک از دخالت‌های ناروای او در مسایل مملکتی به فاجعه‌ای می‌انجامد. وی مدت کوتاهی پس از مرگ بونصر مشکان سرپرستی دیوان رسایل را برعهده دارد.

بهمن: نام پسر اسفندیار که انتقام خون پدر را از خانواده‌ی رستم گرفت.

بهمن بیگی، محمد: نویسنده‌ی کتاب «ایل من بخارای من»، معاصر.

پاشایی، ع: مترجم و نویسنده‌ی معاصر، از ترجمه‌های او می‌توان به «ذن چیست؟» و «ماه نو و مرغان آواره» اشاره کرد.

پانتئون: در یونان و روم معبد خدایان را پانتئون می‌گفتند. بنایی که اکنون در پاریس به این نام خوانده می‌شود در سال ۱۷۶۴ به منظور کلیسا پی‌ریزی شد ولی بعدها محل دفن بزرگ مردان فرانسه شد. پشوتن: نام پسر گشتاسب، طبق روایت زرتشتیان وی به دست زرتشت فناپذیر شد.

تاریخ بلعمی: کتابی است تألیف ابوعلی بلعمی در قرن چهارم، این کتاب اقتباسی است از تاریخ طبری، به همین سبب به ترجمه‌ی تاریخ طبری مشهور شده

است.

خداوند. جبرئیل حامل وحی برای پیامبران است. **جبل الطّارق**: تنگه‌ای است بین اسپانیا و مراکش که دریای مدیترانه را به اقیانوس اطلس وصل می‌کند. **جنگ و صلح**: رمانی است از لئون تولستوی که در سال‌های ۱۸۶۴-۱۸۶۹م به رشته‌ی تحریر درآورده است. در این کتاب اوضاع اجتماعی روسیه در هنگام لشکرکشی ناپلئون بدان کشور تشریح شده است.

جنید بغدادی: ابوالقاسم بن محمد بن جنید عارف معروف و عالم دینی (۲۹۷ هـ) وی از نخستین کسانی است که درباره‌ی علم توحید در بغداد سخن گفته است. **جولان**: منطقه‌ای کوهستانی بین اردن و سوریه که غالباً نیروهای صهیونیستی به آنجا حمله می‌کنند.

جیحون: رودی است که از کوه‌های شمال افغانستان سرچشمه می‌گیرد و به دریاچه‌ی آرال می‌ریزد. **چارلز دیکنز**: داستان‌نویس مشهور انگلیسی (۱۸۱۲-۱۸۷۰م) از آثار او می‌توان به رمان‌های دیوید کاپرفیلد، آرزوهای بزرگ و داستان دو شهر اشاره کرد.

حاتمی، علی: فیلم‌نامه‌نویس و کارگردان ایرانی **حسنک وزیر**: خوش‌نام‌ترین و محبوب‌ترین وزیر محمود غزنوی است که پس از مغضوب شدن میمندی به این سمت برگزیده می‌شود اما چون در جریان سلطنت مسعود غزنوی با او همداستان نیست و برادرش محمد را ترجیح می‌دهد از طرف دادگاه مسعود به سعایت بوسهل زوزنی به اعدام محکوم می‌شود. داستان اعدام حسنک شورا نگیزترین بخش تاریخ بیهقی است.

حسینی، سیدحسن: شاعر انقلاب اسلامی، مجموعه شعرهای «هم‌صدا با حلق اسماعیل» و «گنجشک و جبرئیل» از آثار اوست.

خاقان: در قدیم لقب پادشاهان چین و ترکستان بوده است.

تاریخ جهان‌گشای جوینی: کتابی است تاریخی-ادبی تألیف عظاملک جوینی (۶۲۳-۶۸۱هـ) در این کتاب حمله‌ی تاریخی مغولان به ایران تشریح شده است. **تاگور**، رابیند رانات تاگور: شاعر بزرگ هندی (۱۹۴۱-۱۸۶۱م). وی به اخذ جایزه‌ی نوبل نایل آمد.

تحفة الاحرار: یکی از مثنوی‌های هفت‌اورنگ عبدالرحمن جامی شاعر و نویسنده‌ی قرن نهم تخت جمشید: محلی است واقع در مرودشت فارس، ساختمان آن در زمان داریوش اول آغاز شد، از آثار مهم تخت جمشید ارگ یا قلعه‌ای است که اسکندر آن را آتش زد.

تختی، غلامرضا: کشتی‌گیر بزرگ معاصر که به او لقب جهان‌پهلوان داده‌اند.

تزار: نام عمومی پادشاهان تزاری روسیه **تدین**: وی از ناطقان زبردست حزب دمکرات بود. در دوره‌های چهارم و پنجم به نمایندگی مجلس انتخاب شد و به ریاست مجلس رسید.

تذکره‌الاولیا: کتابی است تألیف شیخ فریدالدین عطار در شرح حال بزرگان عرفان و تصوف.

تذکره‌ی دولتشاه سمرقندی: شرح حال شعرا از رودکی تا قرن نهم، مؤلف آن دولتشاه سمرقندی است. وی این کتاب را در سال ۸۹۶ هجری به پایان رسانده است.

جامی، عبدالرحمن: شاعر و نویسنده‌ی معروف ایرانی (۸۹۸-۸۱۷) آثار منظوم او عبارت‌اند از: هفت‌اورنگ به تقلید خمسه‌ی نظامی با نام: سلسله‌الذهب، سلامان و ابسال، تحفة الاحرار، سبحة‌الابرار، یوسف و زلیخا، لیلی و مجنون و خردنامه‌ی اسکندری. بعضی از آثار ثرا و عبارت‌اند از: نقد النصوص، نفحات الانس، لوايح و لوامع

جبریل (جبرئیل): یکی از چهار فرشته‌ی مقرب

خاقانی: افضل الدین بدیل خاقانی ملقب به حسان العجم (۵۸۲-۵۲۰ هـ) شاعر قصیده‌سرای قرن ششم هجری، وی در قوت اندیشه و مهارت در ترکیب الفاظ بی نظیر است.

خدیجه: ام المؤمنین، دختر خویلد بن اسد بن عبد العزیٰ نخستین زن حضرت رسول اکرم، وی در سال سوم هجری از دنیا رفت.

خرسند، پرویز: نویسنده‌ی معاصر، «آن‌جا که حق پیروز است» از آثار اوست.

خواجوی کرمانی: شاعر معاصر حافظ (۷۵۳-۶۸۹ هـ) وی پس از کسب علم و فضایل به سفر پرداخت. خمسه‌ای به سبک نظامی پرداخته است شامل همای و همایون، گل و نوروز، روضه‌الانوار، کمال‌نامه و گوهرنامه. خواجه غزلیات شیوایی دارد.

خواجده احمد: احمد حسن میمندی وزیر محمود و مسعود غزنوی. وی مدتی مغضوب سلطان محمود واقع شد و به جای او حسنک به وزارت برگزیده شد اما در زمان مسعود با اکرام و اعزاز به وزارت رسید و تا لحظه‌ی مرگ در این سمت باقی ماند.

داستایوسکی: رمان‌نویس روسی، از آثار او می‌توان به «برادران کارامازف»، «ابله»، «خانه‌ی اموات» و «دهکده‌ی استپانچکوف» اشاره کرد.

داوود: پیامبر قوم اسرائیل، او شاعر بود و از خود کتاب مزامیر را به‌جای گذاشته است که به زبور معروف است.

دیر یاسین: روستایی در فلسطین که رژیم اشغالگر قدس مردم آن‌جا و روستای کفر قاسم را قتل‌عام کرد.

دیو سفید: دیوی که مویش سفید بود. در لشکرکشی کی کاووس به مازندران کی کاووس را به جادویی نابینا و دربند کرد. رستم پس از آگاهی از این موضوع پس از گذر از شش‌خان دیو سفید را کشت و جگرش را درید و از آن برای بینایی کاووس و سران سپاه ایران استفاده کرد.

راکعی، فاطمه: شاعر دوره‌ی انقلاب اسلامی، کتاب‌های «سفر سوختن» و «آواز گل‌سنگ» از آثار اوست.

رستم: پهلوان ایرانی پسر زال و رودابه که زادن او چون زندگی‌اش پر از شگفتی بود. تمام عمر پرمایه‌ی او به پهلوانی گذشت و در تنگناها به کمک شاهان و شاهزادگان ایرانی می‌شناخت. کاووس را دوبار نجات داد. از شش‌خان گذشت با دیو سفید جنگید. بیژن را از چاه نجات داد. کین سیاوش را گرفت و با اسفندیار جنگید. و سرانجام به دسیسه‌ی برادرش شغاد کشته شد.

رضاخان: سرسلسله‌ی پهلوی (۱۳۲۰-۱۳۰۴) از نظامیان بود و پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ فرمانده کل قوا شد و در سال ۱۳۰۴ بر تخت سلطنت نشست و در ۲۵ شهریور هنگامی که ایران در اشغال متفقین بود از سلطنت کنار رفت.

روسیه: نامی که سابقاً به امپراتوری وسیع تزار اطلاق می‌شد. کشوری وسیع (بیش از ۲۲ میلیون کیلومتر) پایتخت آن شهر مسکو است. این کشور همسایه‌ی شمالی ایران است. اکثر مردم این کشور از تزارهای اسلاو هستند پس از انقلاب کبیر روسیه در سال ۱۹۱۷ حکومت تزارها پایان یافت.

روضه‌ی خلد: کتابی است به تقلید از گلستان سعدی و بر همان شیوه که مجدخوافی آن را در سال ۷۳۲ نوشت و در سال ۷۳۳ در آن تجدید نظر کرد. مجدخوافی از ادیبان قرن هشتم بود که در نظم و نثر استادی کامل داشت.

رهنما، زین‌العابدین: نویسنده و مترجم معاصر که با قلم شیوا و هنرمندانه‌ی خود آثاری چند در زمینه‌ی داستان و شرح حال آفریده است از جمله زندگی حضرت رسول اکرم با نام «پیامبر» که از بهترین آثار او به شمار می‌آید.

زابل: نام شهرهای متعددی در ساحل هیرمند بوده است

که مهد خیزش حماسه‌های باستانی ایران و خاستگاه آینده‌ی موعود زرتشتیان است که از دریاچه‌ی هامون ظهور می‌کند. شهر فعلی زابل از شهرهای اخیر استان سیستان و بلوچستان است. این شهر در جنوب زاهدان واقع است. مهم‌ترین رود آن هیرمند است. این شهر در مرز افغانستان است، نام قدیم آن نیمروز بوده است. مردم آن به گویش زابلی تکلم می‌کنند.

زابلستان: ایالت زابل که در جنوب بلخ و مغرب خراسان و سیستان و شمال بلوچستان واقع بوده و مرکز آن شهر غزنین بود. این شهر در صدر اسلام هنگام خلافت عثمان بن عفان فتح شد.

زاکانی، عبید: نظام‌الدین عبدالله مشهور به عبیدزاکانی اهل زاکان قزوین بود. وی از بزرگ‌ترین طنزپردازان ایران و از شاعران قرن هشتم است. بعضی از آثار او عبارت‌اند از رساله‌ی دلگشا، اخلاق‌الاشرف و موش و گربه

زال: پسر سام و پدر رستم، جهان پهلوان ایرانی که پس از تولد به علت سفیدی مو از سوی پدر طرد شد و به کوه البرز برده شد. وی را سیمرخ پرورد و چون جوانی برومند شد پدر با خوابی که دید او را از کوه برگرفت. وی عاشق رودابه دختر شاه کابلستان شد و با او ازدواج کرد. حاصل این ازدواج رستم جهان پهلوان ایرانی شد.

زرتشت: پیامبر ایرانی که در آذربایجان یا ری متولد شد. وی معاصر گشتاسب پادشاه ایرانی بود گشتاسب دین او را پذیرفت و مروج آن شد. اوستا کتاب دینی او بود که شامل سروده‌ها (گات‌ها) است وی در حمله‌ی دوم ارجاسب به دست یک تورانی کشته شد.

زرین کوب، عبدالحسین: محقق و نویسنده‌ی بزرگ معاصر در سال ۱۳۰۱ در بروجرد متولد شد. وی قلمی روان، شیوا و رسا دارد. از آثار او می‌توان

به کتاب‌های «با کاروان حله»، «بحر در کوزه»، «نقد ادبی»، «بامداد اسلام»، «جستجو در تصوف»، «از چیزهای دیگر»، «نه شرقی نه غربی، انسانی»، «سرنی»، «پله پله تا ملاقات خدا» و ... را اشاره کرد.

زواره: پسر زال و برادر رستم و از پهلوانان کیخسرو بود که در تمامی جنگ‌ها یاور رستم و کارگزار وی بود.

ساعدی، غلامحسین: مشهور به گوهرمراد (۱۳۶۴ - ۱۳۱۴) در تبریز به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش سپری کرد در تهران ادامه‌ی تحصیل داد و روان‌پزشک شد. وی نویسنده‌ای پرکار بود و آثار زیادی را در زمینه‌ی نمایش و داستان از خود برجای گذاشت چون: «چوب به دست‌های ورزیل»، «آی با کلاه، آی بی کلاه»، «عزاداران بیل»، «گور و گهواره»، «گاو»، «توپ»، «ترس و لرز» و ...

سامانیان: خاندانی ایرانی که بر بخشی از خراسان و ماوراءالنهر از سال ۲۶۱ تا ۳۸۹ حکومت داشتند. نوح، منصور، احمد و یحیی از فرزندان اسد بودند و او فرزند سامان خدات سرسلسله‌ی این خاندان بود که ایشان سالیانی دراز حوزه‌ی این دولت را گسترش دادند. هنر و ادبیات و سایر علوم در این عصر در اوج تعالی خود بود.

سامری: نام مردی از قوم موسی (بنی اسرائیل) که آنان را فریفت و به پرستش گوساله‌ی زرین واداشت. وی هنگام غیبت موسی از فرصت استفاده کرد و مردم را با حيله و نیرنگ به گوساله پرستی واداشت. **سبزواری، حمید:** حسین ممتحنی متخلص به حمید سبزواری در سال ۱۳۰۴ در سبزواری زاده شد برخی از اشعار وی مربوط به قبل از انقلاب و بخش عمده‌ی آن مربوط به پس از انقلاب است. از مجموعه‌هایی که تاکنون چاپ کرده می‌توان به سرود

سپیده و سرود درد اشاره کرد.

سِروانتس: میکل سروانتس (۱۶۱۶-۱۵۴۷) نویسنده‌ی مشهور اسپانیایی که مشهورترین اثر او *دُن کیشوت نام دارد*. این اثر به زبان‌های مختلف ترجمه شده است. سروانتس زندگی پرفراز و نشیبی داشت.

سلجوقیان: خاندانی ترک که از سال ۴۲۹ تا ۷۰۰ بر بخش عظیمی از آسیای غربی حکومت کردند. سلجوقیان در نقاط مختلف شعبی داشتند چون شام، عراق و کردستان، روم و کرمان. در این عهد ادبیات روم به کمال رفت و شاعران بزرگی پدید آمدند.

سلطان محمود: ملقب به *یمین‌الدوله* (۴۲۱-۳۸۷) فرزند ارشد سبکتکین از مقتدرترین شاهان غزنوی است. وی دوازده بار به هندوستان لشکر کشید، ۳۳ سال حکومت کرد.

سلطان مسعود: فرزند سلطان محمود (۵۰۹-۴۵۲) پادشاهی کریم و دادگستر بود در سال ۴۹۳ به سلطنت رسید. دوره‌ی حکومت وی آرامشی نسبی برقرار بود.

سنایی غزنوی: شاعر و عارف معروف ایرانی در قرن ششم و صاحب مثنوی بزرگ *حدیقه‌الحقیقه* است. از آثار دیگر وی به «طریق‌التحقیق»، «سیرالعبادالی‌المعاد» و «کارنامه‌ی بلخ» می‌توان اشاره کرد.

سندبادنامه: از کتاب‌های داستان قدیم بود که موضوع آن را از موضوعات کتاب *سندباد حکیم هند* می‌دانسته‌اند. این کتاب ابتدا به دستور نوح بن منصور به فارسی دری ترجمه شد. ظهیری سمرقندی ترجمه‌ای دیگر از این کتاب کرد و ازرقی شاعر نیز آن را به نظم درآورد.

سیاست‌نامه: یا *سیرالملوک* کتابی است به فارسی اثر نظام‌الملک وزیر مشهور سلجوقیان که در پنجاه فصل گرد آمده است. این کتاب حاصل تجربیات

چندین ساله این وزیر دانشمند است.

سیستان: یا *سگستان* نام قدیم آن زرننگ بود. این سرزمین در گذشته بسیار آباد بوده و انبار گندم ایران به‌شمار می‌رفته اما اکنون سطح کاشت کم شده است. مرکز سیستان شهر زابل است.

سیمرخ (عنقا): پرنده‌ای افسانه‌ای که بر کوه البرز جا و مکان دارد. وی پرورنده‌ی زال جهان‌پهلوان و پدر رستم است. *سیمرخ* همواره حامی خاندان زال بود. این پرنده‌ی افسانه‌ای جز در اسطوره‌های حماسی، در عرفان و ادب و هنر، نیز به گونه‌های مختلف وارد شده است.

شریعتی، علی: دکتر علی شریعتی (۱۳۵۶-۱۳۱۲) فرزند استاد محمدتقی شریعتی اهل مینان نویسنده، متفکر و جامعه‌شناس معاصر بود که پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی خود در مشهد تحصیلات عالی را در فرانسه و در رشته‌ی تاریخ و جامعه‌شناسی مذهبی پایان برد. سرانجام در سال ۱۳۵۶ به شهادت رسید. از جمله آثارش می‌توان به «فاطمه فاطمه است»، «کوبر»، «هبوط»، «مسئولیت شیعه بودن» و ... اشاره کرد.

شکسپیر، ویلیام (۱۵۶۴-۱۶۱۶م): بزرگ‌ترین شاعر درام‌نویس انگلستان. وی کار خود را با بازی‌گری در گروه «بازی‌گران مخصوص ملکه» و نمایش‌نامه‌نویسی آغاز کرد و به عنوان بازیگری بزرگ شهرت یافت. وی را پدر نمایش‌نامه‌نویس انگلستان شمرده‌اند. شکسپیر موضوع بسیاری از نمایش‌نامه‌هایش را از تاریخ روم باستان گرفته و سبک او به مکتب کلاسیسم تعلق دارد.

عراقی، فخرالدین (۶۱۰-۶۸۸): از عارفان و شاعران نام‌آور قرن هفتم است. در همدان متولد شد و در همان شهر به تحصیل پرداخت و در هجده‌سالگی به مولتان هندوستان رفت و در خدمت شیخ‌بهاء‌الدین زکریا به سلوک پرداخت و چند سال

بعد به عربستان و آسیای صغیر رفت و در قونیّه به مجلس شیخ صدرالدین قونیوی راه یافت و کتاب لمعات را در آنجا نوشت. وی در دمشق درگذشت.

علی پور، مصطفی: شاعر دوره‌ی انقلاب اسلامی مجموعه شعر از گلوی کوچک رود از آثار اوست. **عطار:** شیخ فریدالدین (۶۱۸ - ۵۴۰) شاعر و عارف معروف ایرانی است. گفته‌اند پدر او عطار (داروفروش) بود و فریدالدین کار او را دنبال کرد. وی پس از انقلاب باطنی، چون سرمایه‌ای بزرگ از ادب و شعر اندوخته بود، اندیشه‌های عرفانی خود را به نظم درآورد. وی آثار بسیاری به وجود آورده که تذکره‌الاولیا، منطق‌الطیر و الهی‌نامه ... از آن جمله است.

عمان: دریایی است منسحب از اقیانوس هند، در جنوب پاکستان و ایران و مشرق شبه‌جزیره‌ی عربستان که به وسیله‌ی تنگه‌ی هرمز از خلیج فارس جدا می‌گردد.

غدیر خم: آبگیری است بین مکه و مدینه و از آن جهت میان مسلمانان حایز اهمیت است که حضرت پیامبر (ص) در هنگام برگشتن از حجة‌الوداع در این ناحیه خطبه‌ای ایراد کرد و امیرمؤمنان را به جانشینی خود برگزید.

قابوس‌نامه: کتابی است به فارسی تألیف عنصرالمعالی کیکاوس بن اسکندر. نام قابوس‌نامه از نام مؤلف که در تاریخ به قابوس دوم معروف است گرفته شده. کتابی اخلاقی و تربیتی است که آن را برای تربیت فرزندش نوشته است.

قابیل: پسر آدم و حواست. وی از قبول رأی پدر در باب ازدواج سرپیچید و کار به قربانی واگذار شد. اما قربانی او در درگاه خداوند پذیرفته نشد و همین امر خشم او را بیشتر نمود و هابیل را با سنگ بکشت.

قبطیان: ج قبطی، منسوب به قبط (Egypte) سکنه‌ی قدیم کشور مصر.

قزاق: قومی از تاتار، سربازی که تحت نظر نظامیان روسی تربیت شده باشد، سرباز دوره‌ی قاجار

قزوه، علی‌رضا: شاعر و نویسنده‌ی معاصر مجموعه شعرهای «از نخلستان تا خیابان» و «شبلی در آتش» از آثار اوست.

قشقای: ناحیه‌ای است در فارس شامل نقاطی که ایل قشقای در تابستان و زمستان در آن جا سکونت دارند، نام ایلی در فارس

کابل: در قدیم به خطه‌ای وسیع و مرتفع که اکنون قسمت شمالی افغانستان را تشکیل می‌دهد، می‌گفته‌اند.

کتابیون: نام مادر اسفندیار و همسر گشتاسب کسرای، سیاوش: شاعر معاصر مجموعه شعرهای: «با دماوند خاموش»، «از قرق تا خروسخوان»، «خانگی» و «آرش» از آثار اوست.

کلئوباترا: نام هفت تن از ملکه‌های مصر که معروف‌ترین آن‌ها کلئوباترای هفتم است. وی با زیبایی خیره‌کننده‌ی خود قیصر و آنتیوس را شیفته ساخت و پس از مرگ آنتیوس خود را با نیش افعی کشت.

کمال‌الملک: ر.ک. درس کمال‌الملک کلیله و دمنه: کتابی است شامل مجموعه داستان‌هایی که حیوانات قهرمان آن هستند. اصل این کتاب هندی بوده که در عهد ساسانیان به پهلوی ترجمه شده است. بعدها نصرالله منشی آن را از عربی به فارسی ترجمه کرده است.

گویر: کتابی از دکتر علی شریعتی، این کتاب شامل مجموعه مقالاتی درباره‌ی موضوعات مختلف است.

کیان: سلسله‌ای از پادشاهان ایران باستان، این سلسله بعد از شاهان پیشدادی به حکومت رسیدند.

گرگانی، فخرالدین اسعد: شاعر و داستان‌سرای ایرانی (فوت پس از سال ۴۶۶ هـ) منظومه‌ی ویس و رامین از آثار اوست.

گشتاسب: پسر لهراسب شهریار سلسله‌ی کیان و پدر اسفندیار بود. مهم‌ترین جنگ او با ارجاسب تورانی بود که به شکست ارجاسب منتهی شد. وی با کتابون دختر قیصر روم ازدواج کرد. گشتاسب دین زرتشتی را پذیرفت.

مرزبان‌نامه: کتابی است شامل داستان‌ها و حکایت‌هایی به زبان حیوانات با محتوایی پندآمیز که مرزبان‌بن‌رستم از شاهان طبرستان آن را در اواخر قرن چهارم به زبان قدیم طبرستان تألیف کرده است. در اوایل قرن هفتم سعدالدین وراوینی آن را به زبان فارسی دری ترجمه کرد. این ترجمه دارای نثری مصنوع و تشبیهات و استعارات فراوان است.

مرصادالعباد من المبدأ الی المعاد: این کتاب در علم تصوف، اخلاق و آداب معاش و معاد است که نجم‌الدین رازی معروف به نجم دایه آن را به نام علاءالدین کیقباد پادشاه سلجوقی در سال ۶۲۵ تألیف کرده است. نثر کتاب گاهی ساده و مرسل و گاه دارای سجع و موازنه است. علاوه بر این نویسنده در خلال موضوعات، احادیث و آیات و اشعاری از خود و شاعران دیگر نقل می‌کند.

مظفرالدین شاه: پنجمین شاه قاجار و پسر ناصرالدین شاه است. وی در پنج سالگی به ولیعهدی انتخاب شد و به مدت چهل سال ولیعهد و حاکم آذربایجان بود. چندبار به اروپا سفر کرد و برای تأمین مخارج آن دو بار از روس‌ها قرض گرفت و در عوض گمرک شمال و شیلات دریای خزر را به روس‌ها واگذار کرد. وی در سال ۱۳۲۴ فرمان مشروطیت را صادر کرد و در همان سال قانون اساسی را امضا کرد و پنج روز پس از آن از دنیا رفت.

منطق‌الطیر: منظومه‌ای عرفانی و از آثار معروف شیخ فریدالدین عطار نیشابوری در ۴۶۰ بیت است. در این اثر افکار عرفانی و شیوه‌ی سالکان

طریقت از زبان پرندگان نشان داده شده است. این کتاب از منظومه‌های عالی زبان فارسی است که عطار در آن قدرت تخیل و بیان خود را آشکار کرده و در ضمن گفت‌وگوی پرندگان، حکایت‌ها و تمثیل‌های شیرین آورده است.

مولوی: مولانا جلال‌الدین محمدبن بهاء‌الدین محمدبن حسین الخطیبی معروف به مولوی یا ملاوی روم از بزرگ‌ترین شاعران عارف ایران در قرن هفتم است. او در بلخ متولد شد ولی به مناسبت طول اقامتش در قونیه به رومی یا مولانای روم مشهور شد. وی در کودکی در نیشابور با عطار ملاقات داشت که طی آن عطار کتاب اسرارنامه‌ی خود را به مولوی اهدا کرد. آثار او عبارت‌اند از «مثنوی»، «دیوان شمس»، «فیه مافیه»، «مجالس سبعه» و «مکاتیب».

ناصرالدین شاه: پسر محمدشاه قاجار بود. در سال ۱۲۶۴ پس از مرگ پدرش در تبریز به سلطنت رسید. حدود پنجاه سال سلطنت کرد و در ۶۶ سالگی به دست میرزا رضا کرمانی به ضرب گلوله‌ی طپانچه به قتل رسید. در ابتدای سلطنت به یاری امیرکبیر دست به یک سلسله اصلاحات زد و چندبار به اروپا سفر کرد.

نجم‌الدین رازی: معروف به نجم‌دایه از عارفان مشهور دوره‌ی مغول (قرن هفتم) است معروف‌ترین اثر او مرصادالعباد به نثر است. او در قونیه با مولوی ملاقات داشته است. وی علاوه بر نویسندگی، شعر هم می‌سروده به خصوص به سبک سنایی گرایش فراوانی داشته است.

ناصرخسرو: حکیم ابومعین ناصرین حارث‌قبادیانی از شاعران و نویسندگان بزرگ ایران در قرن پنجم بود. وی در سال ۳۹۴ در قبادیان بلخ به دنیا آمد ناصرخسرو در علوم و فنون متداول زمان خود استاد بود، قرآن را از حفظ داشت و در علم کلام، حکمت

و ادیان مطالعات عمیقی داشت که آثار آن در اشعارش نمایان است. آثار او عبارت‌اند از: «دیوان اشعار»، «سفرنامه»، «زادالمسافرین»، «وجه‌دین»، «خوان اخوان» و ...

نصرالله منشی: نویسنده و مترجم توانای کلیله و دمنه است. وی در دوره‌ی دوم حکومت غزنویان در دربار بهرام شاه این کتاب معتبر را از عربی به پارسی سنجیده و مزین ترجمه کرد.

نظامی گنج‌های: نظامی از شاعران بزرگ داستان‌سرای ایران در قرن ششم است. وی بیشتر عمر خود را به عزلت و انزوا گذرانده است و به همین دلیل رفتارش با سلاطین بسیار ساده بوده و پادشاهان برای او احترام زیادی قایل بودند. آثار او عبارت‌اند

از: «مخزن‌الاسرار»، «لیلی و مجنون»، «خسرو و شیرین»، «هفت‌پیکر» یا «بهرام‌نامه»، «اسکندرنامه». نظامی توانسته است نوع شعر تمثیلی را به حدّ کمال برساند. نیروی تخیل او در وصف بسیار قوی است.

ویس و رامین: از داستان‌های قدیم فارسی و منسوب به دوره‌ی اشکانیان است. فخرالدین اسعدگرگانی شاعر قرن پنجم این داستان را به خواهش خواجه‌عمید ابوالفتح مظفر نیشابوری حاکم اصفهان به نظم کشیده است. سبک آن ساده، روان و به دور از مغلق‌گویی است. لغات عربی نامأنوس بسیار کم دارد و لغت‌های کهنه‌ی فارسی زیاد در آن دیده می‌شود.

منابع

- آیین‌های ناگهان، قیصر امین پور، نشر افق، تهران، ۱۳۷۵.
آن جا که حق پیروز است، پرویز خرسند.
ادبیات داستانی، جمال میرصادقی، مؤسسه‌ی فرهنگی ماهور، چاپ دوم، ۱۳۶۵.
از گلوی کوچک رود، مصطفی علی پور، تهران، حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲.
از نخلستان تا خیابان، علیرضا قزوه، نشر همراه، ۱۳۶۹.
اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید، محمد بن منور میهنی، به تصحیح دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، آگاه، چاپ سوم، ۱۳۷۱.
القبای باران، وحید امیری، تهران.
انواع ادبی، دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، مجله‌ی رشد ادب فارسی، ش ۳۳ و ۳۴.
با کاروان حله، دکتر عبدالحسین زرین کوب، تهران، جاویدان.
بخارای من، ایل من، محمد بهمن بیگی، چاپ چهارم، تهران، آگاه، ۱۳۷۰.
پیامبر، زین العابدین رهنما، تهران، کتاب‌های جیبی، ۱۳۴۵.
تاریخ بیهقی، ابوالفضل بیهقی، تصحیح دکتر علی اکبر فیاض، مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۵۰.
تپه‌ی برهانی، حمیدرضا طالقانی، انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
تذکره‌ی دولت‌شاه سمرقندی (تذکره الشعرا) چاپ هند، ۱۳۰۵ هـ. ق ترجمه‌ی رساله‌ی قشیری، ابوعلی عثمانی، به تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۵.
تنگسیر، صادق چوبک، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۲.
خمسه‌ی نظامی، به تصحیح وحید دستگردی، تهران، انتشارات علمی.

- داستان داستان‌ها، دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن، نشر آثار، پاییز ۷۶.
- دری به خانه‌ی خورشید، سلمان هراتی، تهران، سروش.
- دیوان حافظ، به تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی، تهران، زوآر، ۱۳۶۹.
- دیوان خاقانی، تصحیح ضیاءالدین سجادی، تهران، زوآر، ۱۳۶۹.
- دیوان خواجوی کرمانی، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، کتاب‌فروشی محمودی، ۱۳۳۶.
- دیوان هاتف اصفهانی، تصحیح وحید دستگردی، انتشارات فروغی، ۱۳۴۵.
- دیوان ناصر خسرو قبادیانی، به تصحیح دکتر مهدی محقق، انتشارات دانشگاه تهران.
- رجعت سرخ ستاره، علی معلم، انتشارات حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- روان‌های روشن، دکتر غلامحسین یوسفی، تهران، یزدان، ۱۳۶۳.
- روضه‌ی خلد، مجد خوافی، به کوشش حسین خدیوچم، کتاب‌فروشی زوآر، ۱۳۴۵.
- سرود سپیده، حمید سبزواری، تهران، انتشارات اطلاعات.
- سندبادنامه، ظهیری سمرقندی، به اهتمام احمد آتش، تهران، کتاب فروزان، ۱۳۶۲.
- شاهنامه، ابوالقاسم فردوسی، چاپ مسکو، آکادمی علوم شوروی، به کوشش دکتر سعید حمیدیان، تهران، نشر داد، ۱۳۷۴.
- عناصر داستان، جمال میرصادقی، انتشارات شفا، ۱۳۶۴.
- غزلیات سعدی، به کوشش حبیب یغمایی، انتشارات علمی و فرهنگی.
- غزلیات شمس، (۱۰ جلد)، به تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، انتشارات دانشگاه تهران.
- فرهنگ ادبیات فارسی، زهرا خانلری، انتشارات توس، ۱۳۶۶.
- فرهنگ فارسی، (۶ جلد)، دکتر محمدمعین، انتشارات امیرکبیر.
- کلیات اشعار شهریار، (۵ جلد)، تبریز، سعدی، ۱۳۶۴.
- کلیات عبیدزاکانی، به تصحیح پرویز اتابکی، تهران، زوآر، ۱۳۴۳.
- کلیله و دمنه، نصرالله منشی، تصحیح مجتبی مینوی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۰.
- کویر، دکتر علی شریعتی، شرکت انتشار، تهران، ۱۳۴۹.
- گلستان، سعدی، به تصحیح دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۶۸.
- لطایف الطوائف، فخرالدین علی صفی، به تصحیح احمد گلچین معانی، تهران، اقبال، ۱۳۳۶.
- لغت نامه، علی اکبر دهخدا، زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر سیدجعفر شهیدی، تهران،

مثنوی معنوی، جلال‌الدین محمد بلخی، به تصحیح رینولد الین نیکلسون، در سه جلد، نشر مولی، ۱۳۷۵.

مجموعه آثار علی حاتمی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۷.

مرصاد العباد، نجم‌الدین رازی، تصحیح محمدامین ریاحی، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲.

منطق الطیر، عطار نیشابوری، به اهتمام سیدصادق گوهرین، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۲.

ویس و رامین، فخرالدین اسعد گرگانی، به اهتمام محمدجعفر محبوب، تهران، اندیشه، ۱۳۳۷.

هفت اورنگ، عبدالرحمن جامی، انتشارات سعدی، تهران، ۱۳۳۷.

همصدا با حلق اسماعیل، سیدحسن حسینی، انتشارات حوزه هنری.

یادنامه‌ی بیهقی، مشهد، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۵۰.

معلمان محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آنان می‌توانند نظر اصلاحی خود را در باره‌ی مطالب
این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۳۶۳ ۶۵۸۵۵ - گروه‌دستی مربوطه یا پیام‌نگار (Email)
talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.

دفتر نشر نامه‌ی یزنی، تألیف کتاب، زمینی

